

## اجلاس سخنرانی مریم رجوی در گرامی‌داشت شهیدان قتل عام اشرف در ۱۰ شهریور ۱۳۹۲ ۱۰ شهریور ۱۳۹۶

قتل عام اشرف نه واقعی‌یی مربوط به گذشته بلکه مربوط به مقاومت و آزادی و حقوق بشر امروز ایران است

گردآمده‌ایم برای گرامی‌داشت حماسه اشرف. برای گرامی‌داشت حماسه پایداری و جانفشانی اشرفی‌ها در ده شهریور ۹۲. امروز مصادف با عید قربان است که با تقویم قمری، سالروز فروغ جاویدان هم هست. در این عید و در این سالروز جمع شده‌ایم، برای تجدید عهد با ۵۲ مجاهدی که دامن محبت را به خون رنگین کردند و سوگند می‌خوریم که از قطره‌قطره خون‌های پاک آن‌ها، نبرد عظیمی برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه به‌پاکنیم.

### حماسه اشرف

راستی که لحظه‌به‌لحظه حماسه اشرف خیره‌کننده است؛

زهره عزیزم، تا لحظه شهادت در حال فرماندهی مجاهدین بود. او در آخرین پیامش نوشته بود: «نبرد شکوهمند و درخشانی که در همه عرصه‌ها در لیبرتی و اشرف در جریان است، عین نبرد سرنگونی است...».

گیتی عزیزم، را ببینید که چطور در لحظه شهادت مثل زمان حیاتش استوار و با صلابت بود.

در یک صحنه چهار مجاهد دست بسته را می‌بینید؛ برادران عزیزم ابراهیم اسدی، سعید اخوان، حسین مام رسولی و رحمان منانی، به همه آن‌ها تیر خلاص زده‌اند و کنار هم هستند. گویی در موقع شهادت هم، تن واحد بودند.

جلادها حتی به مجروحان در روی تخت بیمارستان تیر خلاص می‌زدند. کوروش و شهرام یاسری و سیروس فتحی و سیدعلی و حیدر به همین نحو شهید شدند. به سعید نورسی در حالی گلوله زدند که مشغول رسیدگی به مجروحان بود و یک پنس پزشکی در دست داشت. رشید را هم حین رسیدگی به مجروحان در همان کلینیک به شهادت رساندند.

برادر عزیزم رحیم، تا لحظاتی قبل از این که به او حمله کنند، سعی داشت با نیروهای عراقی تماس تلفنی بگیرد. چون رابط رسمی آن‌ها بود.

هر کدام را که نگاه کنید، تا لحظه آخر، تا نفس آخر و تا آخرین قطره خون در حال نبرد بودند. همه آن‌ها، حالا از جلوی چشم رژه می‌روند.

میترا باقرزاده، ژیلایا طلوع، فاطمه کامیاب، مریم حسینی، بهروز، احمد بوستانی، احمد وشاق، محمد گرجی، نبی سیف، حسین اصفهانی،

حسین مدنی، علیرضا پورمحمد، علیرضا خوشنویس، اصغر مکانیک، علی اصغر عمادی، مجید شیویاری، شجاع متولی، محمد جعفرزاده،

محمودرضا، اردشیر، قباد، شاهرخ، فریبرز، ناصر سراسری، بیژن میرزایی، رحمت بلوک نخجیری، ابوالقاسم رضوانی، محمدعلی محمودی، حسین

سلطانی، عظیم نارویی، حمید صابری، ناصر کرمانیان، امیر حسین، حسن غلامپور و حسن جباری ...

کهکشانی از نام‌های شهیدان.

خاطرات زیادی از آن‌ها داریم از نشست‌ها و از صحنه‌های تعهد و کار و رزم، خاطراتی که هرگز از یادمان نمی‌رود.

به‌یاد جمله‌یی از مسعود افتادم که می‌گفت: «اگر از من سؤال کنید تعریف مجاهدین در کوتاهترین کلام چیست؟ خواهیم گفت: وفای به پیمان، با فدای بیکران، در تاریخ ایران».

در بین این شهیدان، پیشتازانی از نسل جوان ایران بودند؛

رحمان منانی، امیر نظری، سعید اخوان، ناصر حبشی و یاسر حاجیان؛ این‌ها طلایه‌داران نسل جوان ایران هستند. رزم‌آوران فداکار و بسیار

آگاه که در منتهای صمیمت و صداقت مشتاقانه نبرد در خط مقدم را انتخاب کرده‌اند. زمانی که قرار شد فقط ۱۰۰ نفر در اشرف بمانند، و بقیه به لیبرتی منتقل شوند، سعید اخوان خودش را در ساختمانی در اشرف مخفی کرد و حاضر نشد به لیبرتی برود.

بقیه هم در صدق و صفا، هر کدام گوهر بی‌بدیلی بودند. به نامه‌ها و نوشته‌هایشان گوش کنید: امیر نظری نوشته بود: «چه افتخاری از این بالاتر که ما هم لیاقت این مشی و این آرمان را داشته باشیم. مگر حسین بن علی علیه السلام نگفته بود: هر زنده‌یی ناگزیر رونده راه من خواهد بود.»

رحمان منانی گفته بود: «اگر شهید شدم به‌بچه‌های محل‌تان بگویند یک رحمانی بود که برای آزادی ایرانی که ندیده بود، شهید شد.» و شاید یادتان باشد که چند بار در نشست‌های عمومی این جمله را تکرار می‌کرد که من انتخاب کرده‌ام که با وفاداری به انقلاب و با چشم پوشی از زندگی و خانمان به‌شهادت برسم و این مدار از مجاهدت را انتخاب کرده‌ام.

یاسر حاجیان نوشته بود: «من به‌هیچ کدام از مزایای دنیا چشم ندوخته‌ام. اگر روزی ۲۴ بار و هر ساعت ۶۰ بار مورد سؤال قرار بگیرم بدون تردید پاسخ خواهم داد: هیئات منالذله. من با سازمان و همه ارزش‌ها و مظاهر آن هیچ چیز کم ندارم.»

و ناصر حبشی نوشت: «چه افتخاری بالاتر از این که در مسیر فدا و صداقت شهید و رستگار شوم.» همان طور که از این نامه‌ها پیداست، آن‌ها مثل سایر اشرفی‌ها و مجاهدین همگی کلمات مسعود را بر زبان داشتند و درس‌های او را پیش روی خودشان گذاشته بودند.

هم‌چنان که مجید شیویاری نوشته بود:

«ما نسل خجسته مسعود ... عهد بسته‌ایم که با زدودن تمام ذرات باقیمانده از هر نوع ایدئولوژی استثماری و منفعت‌طلبانه فردی... و بناکردن تشکیلاتی نوین، درسی زرین از حماسه پایداری به‌جا بگذاریم...».

راستی که با چنین رویش‌های انسانی و آرمانی، مسعود و نسل او همیشه پیروزند.

ما هم‌چنین از یاد نبرده‌ایم و از یاد نخواهیم برد هفت اشرفی را که به‌گروگان گرفته شدند و حکومت عراق هنوز ما را از سرنوشت آن‌ها بی‌اطلاع نگاه‌داشته و متأسفانه سازمان ملل و آمریکا و اتحادیه اروپا و کمیساریای عالی پناهندگان هم این حکومت دست‌نشانده را وادار نکرده‌اند که در این باره گزارش بدهد.

آخوندها و مالکی عامل دست‌نشانده آن‌ها در این گروگان‌گیری، همدست بودند اما با بزدلی از پذیرش مسئولیت آدم‌ربایی طفره رفتند. ولی ما از یاد نخواهیم برد و از یاد نخواهیم نشست تا زمانی که رژیم ولایت فقیه و عوامل و مزدوران آن در عراق را به خاطر این جنایت به پای میز عدالت بکشانیم.

### پیام شاهدان قتل عام اشرف

بعضی حماسه‌های انسانی هست که احتیاج به‌گذشت زمان دارد که پیام خود را برساند. اما بعضی حماسه‌ها هم هست که بلافاصله حرکت ایجاد می‌کند؛ یعنی خود را دوباره خلق می‌کند. حماسه اشرف از این نوع است. زیرا با ایستادگی ۴۲ مجاهد دلیر بلافاصله جوشش و جنبش خود را شروع کرد.

شما شاهدان آن صحنه، مجاهدانی که در آن جا به نبرد برخاسته بودید، در آن دقیقه‌ها و ساعت‌های مرگ و زندگی، تحت فرماندهی خواهرمجاهد مریم اکبری برای مقاومت سر از پا نمی‌شناختید. به راستی که او به وظیفه تاریخی خود به بهترین وجه عمل کرد. شما در آن موقع نه ۴۲ نفر؛ بلکه نمایندگان تمام ملت اسیرتان بودید که می‌خواهند ولایت فقیه را به‌زیر بکشند.

شهیدان زنده‌یی بودید که با قاتلان می‌جنگیدید. شما در آن موقع تاریخچه شرف و افتخار اشرف را نمایندگی می‌کردید. و نزد نمایندگان ملل متحد نقش تعیین‌کننده در افشای قتل عام داشتید.

جنگ شما صحنه را دگرگون کرد. شما به‌هر زندانی سیاسی پیغام خود را رساندید و به هر جوان به‌پاخاسته راه را نشان دادید. پیام این بود و این است که برخیزید و مقاومت کنید.

### طرح رژیم برای یکسره کردن کار مقاومت

رژیم می‌خواست با اعدام صفی از فرماندهان پیشتاز ملت ایران، عقب‌نشینی خود از برنامه اتمی را موازنه کند و جامعه ایران را دچار یأس و دلسردی کند. اما شما این کشتار را به یک حماسه پایداری تبدیل کردید که روحیه مقاومت را در بین مردم تقویت کرد.

آخوندها می‌خواستند با جبهه متحد ولایت به خیال خود کار این مقاومت را یکسره کنند می‌خواستند نه تنها به کار اشرف، بلکه به کار مجاهدین و مقاومت و حتی رهبر این مقاومت، برای همیشه پایان بدهند.

این طرحی بود که از مدت‌ها قبل توسط رژیم آخوندی و متحدانش زمینه‌سازی شده بود و در ۱۰ شهریور به آن جنایت بزرگ انجامید. اگر بیاد داشته باشید، من در گردهمایی بزرگ هموطنانمان در تیر ماه ۹۲ در پاریس، از توطئه و کر هماهنگ خامنه‌ای-کوبلر و مالکی صحبت کردم که مشخصاً هدف آن‌ها رهبر مقاومت بود.

موضوع از این قرار بود که در تیر ماه سال ۱۳۹۱، من با میانجیگری و درخواست گروهی از شخصیت‌های برجسته آمریکایی و اروپایی و با حضور آن‌ها، ملاقات ماقبل آخر با کوبلر را پذیرفتم. مدتی بود که با او ملاقات نمی‌کردم چون در طرف آخوندها قرار گرفته بود. اما در این ملاقات، گذشته از همه حیل‌ها و نیرنگ‌ها برای جابه‌جایی اجباری مجاهدین از اشرف به لیبرتی، کوبلر که از این پیشتر با مأموران گشتاپوی آخوندی دیدار و گفتگوهای مفصل کرده بود، به اصرار، خواستار اطلاعات در مورد مسعود بود. من خیلی برآشفتم و اعتراض کردم، اما او با سماجتی بسیار شک‌برانگیز، به پرس و جو ادامه می‌داد و حتی در نقش دایه مهربانتر از مادر، می‌گفت که در جریان جابجایی‌ها، قصد حفاظت از جان او را که در خطر است، دارد. آنقدر مودبانه و آنقدر ناشیانه، که شخصیت‌های حاضر در جلسه، همه برآشفتند. برخی بلند شدند و با اعتراض از او پرسیدند که این سوالات و ردیابی را برای چه می‌خواهد؟

یک هفته بعد از جنایت بزرگ ۱۰ شهریور، آن پاسدار تشنه به خون، جانشین سرکرده پاسداران با بلاهت تمام، آرزوهای کثیف و شکست‌خورده خود و منویات کوبلر را به زبان دیگری تکرار کرد و گفت:

مسعود رجوی هنوز واکنشی نشان نداده است و این یعنی این‌که یا کشته شده و اعلام نمی‌کنند یا نشان‌دهنده یک فروپاشی روحی است! البته آن‌ها این آرزو را به گور خواهند برد. شتر در خواب بیند پنبه دانه....

هم‌چنین برادرمان، طاهر بومدرا که توطئه‌های رژیم آخوندی و دولت دست‌نشانده‌اش در عراق و همدستی کوبلر با این توطئه‌ها را از نزدیک، تجربه کرده و از بسیاری طرح و برنامه‌های آن‌ها در آن زمان مطلع بود، ۲۰ روز بعد از قتل عام در اشرف، فاش کرد که برای رژیم ایران، موضوع اصلی، ردیابی رهبری در اشرف بود که می‌باید با ۲۰۰ نفر دیگر [در اشرف و لیبرتی] دستگیر و استرداد شوند. بومدرا در ۱۵ نوامبر همان سال ۲۰۱۳، تصریح کرد که در قتل عام ۱۰ شهریور در اشرف، فکر می‌کردند رهبری را هم به چنگ می‌آورند.... بگذریم که هم شاه و هم شیخ، در حکم اعدام مسعود و در انهدام نسل او بور و کور شدند.

### شهیدان اشرف، راه‌گشای هزار اشرف و راه‌گشای فتح و آزادی

منتظری جانشین وقت خمینی به درستی خطاب به خمینی نوشته گفته بود: «مجاهدین خلق اشخاص نیستند یک سنخ فکر و برداشت است.... با کشتن حل نمی‌شود بلکه ترویج می‌شود»

بله شهیدان اشرف، در جای جای میهن اسیر شکوفا و تکثیر شدند. دیدیم که حتی بند ۳۵۰ اوین به یک کانون شورشی و یک اشرف دیگر تبدیل شد و مجاهد سرفراز غلامرضا خسروی حماسه‌ی شگفت آفرید.

شهیدان اشرف، راه‌گشای هزار اشرف و راه‌گشای فتح و آزادی شدند. آن‌ها با ارزش‌های والایی که خلق کردند، همیشه حاضرند، همیشه اثرگذارند و در هر یک از نبردهای ما در خط مقدم به‌پیش می‌روند و هم‌چنان که ویکتور هوگو گفته است: رفتگان زنده‌اند و با نبردهای ما درهم آمیخته‌اند.

### پرونده حل و فصل نشده

از اعدام جمعی مجاهدین در اشرف چهار سال می‌گذرد. اما این قتل‌عام واقعه‌ی مربوط به تاریخ گذشته نیست؛ بلکه پرونده حل و فصل نشده‌ی است که همین امروز مستقیماً به مقاومت و آزادی و حقوق بشر ایران مربوط است.

پرونده اشرف سه جریان را در خود تنیده است: از یک طرف تقلا دیوانه‌وار ولایت فقیه برای انهدام نیروی مقاومت و آلترناتیو رژیم، از طرف دیگر سیاست مماشات دولت وقت آمریکا که می‌خواست مجاهدین را همراه با تمام منطقه قربانی خیانت خود کند. و در مقابل این دو جریان، پایداری پرشکوه مجاهدین است که می‌درخشد.

به مناسبت سالگرد این واقعه، می‌خواهم امروز درباره سه موضوع صحبت کنم. یکی انگیزه واقعی اعدام جمعی مجاهدین، دیگری ربط میان پرونده اشرف و مذاکرات اتمی و برجام و بالاخره ضرورت فعال کردن پرونده اشرف و لیبرتی و دادخواهی در این مورد.

## خواست واقعی رژیم نابودی فیزیکی مجاهدین یا تسلیم آن‌ها

به تاریخچه ۱۴ سال پایداری نگاه کنیم. چه در سال‌هایی که آمریکا حفاظت اشرف را برعهده داشت، و چه در سال‌هایی که دولت دست‌نشانده عراق کنترل اشرف را به‌دست گرفت. مجاهدین از هیچ انعطافی برای دستیابی به یک راه حل سیاسی فروگذار نکردند و بارها اعلام کردند که هر گزینه‌ی جز تسلیم شدن را می‌پذیرند.

اما طرف‌های ذریبط از دولت وقت آمریکا گرفته تا ملل متحد و دولت مالکی جز غدر و خیانت کاری نکردند.

یادآوری می‌کنم که فقط در سال ۱۳۹۰، مجاهدین ۱۴ طرح انتقال و جابجایی و خروج از عراق به طرف‌های آمریکایی و سازمان ملل ارائه کردند.

هم‌چنین، مقاومت ایران، دست‌کم ۵۰ نظریه و گزارش مستند حقوقی درباره موقعیت قانونی و حقوق اشرفی‌ها و بطلان افتراءات رژیم منتشر کرده است.

اما صورت مسأله، هیچ‌کدام از این‌ها نبود؛ من در سال‌های گذشته هم چند بار گفتم که: «خواست واقعی رژیم این نبود که مجاهدین، اشرف یا عراق را ترک کنند. بلکه هدف رژیم این بود که مجاهدین را به‌طور فیزیکی نابود کند یا این‌که آن‌ها را وادار به تسلیم کند. بنابراین گزینه سومی در کار نبود.

## رمز ماندگاری و پیشرفت مجاهدین

مجاهدین در این سال‌ها، در انتخاب میان تسلیم و نبرد، نبرد و ایستادگی را انتخاب کردند. رمز ماندگاری و پیشرفت این جنبش همین انتخاب بوده و هست.

در تمام این سال‌ها، به‌ویژه در بحبوحه حملات، تسلیم‌شدگان و نفی‌کنندگان مقاومت، تیغ و طعنه خود علیه اشرفی‌ها را با این سؤال بروز می‌دادند که «ایستادن در آن‌جا چه فایده دارد؟» و «مگر می‌ارزد؟».

آن‌ها به‌علت اذهان مرعوب یا به‌علت پیوندهای خود باجبهه ولایت فقیه از فهم این حقیقت عاجز بودند که نبرد و ایستادگی مؤثرترین سلاح یک جنبش آزادی‌بخش است. جنبشی که این سلاح را زمین بگذارد، شرافت و اعتبار و پشتوانه مردمی خود را از دست می‌دهد؛ و در نهایت موجودیت فیزیکی خود را هم نمی‌تواند حفظ کند.

اگر معیار، یک دیدگاه فایده‌گرایانه باشد نباید تعادل یک زندگی عافیت‌جویانه را به هم زد و در این صورت هیچ مقطعی از پایداری اشرف و لیبرتی و هیچ مقطعی از مبارزات تمام خلق‌ها بر اساس دیدگاه آن‌ها ارزش ندارد.

پس باید گفت افتخار بر اشرف و اشرفی‌ها که شورش مجسم علیه استبداد و بهره‌کشی بوده و هستند. از این نظر اشرف، به عنوان روح و سمبل نبرد صورت مسأله ایران و ایرانی است؛ خون جاری دوران است، و همان حکایتی است که هم چنان باقی است.

## رابطه قتل عام دهم شهریور با مذاکرات اتمی رژیم

موضوع دیگری که می‌خواهم راجع به آن صحبت کنم، رابطه قتل عام دهم شهریور در اشرف با مذاکرات اتمی است. حقیقت این است که اعدام جمعی مجاهدین در دهم شهریور نیمه پنهان خوردن زهر اتمی و پروژه برجام بوده است.

در سوم آذر ۹۲ نمایندگان رژیم در مذاکرات ژنو تفاهم‌نامه اتمی را امضا کردند. پیش از شروع این مذاکرات یعنی در شهریور ۹۲، خامنه‌ای به وسیله پسرخوانده‌اش مالکی، به‌قتل عام اشرف دست زد.

دو سال بعد در ۲۹ مهر ۹۴ خامنه‌ای در نامه‌ی به روحانی، توافق اتمی را تأیید کرد. هشت روز بعد در هفت آبان، رژیم لیبرتی را با موشک درهم کوبید که بر اثر آن ۲۴ مجاهد خلق شهید و صدها نفر مجروح شدند.

گام نهایی خامنه‌ای، تدارک کشتار بزرگ در لیبرتی بود که قرار بود در ایام عاشورای سال ۹۵ یا در اربعین همان سال انجام شود. اما پیش از این که رژیم موفق شود، مجاهدین هجرت بزرگ را با موفقیت به پایان رساندند و طرح استراتژیک رژیم شکست خورد.

خلاصه کنم تمام مراحل برجام از مذاکرات مخفی تا تصویب نهایی‌اش، با حمله و کشتار علیه اشرفی‌ها همراه بوده است.

زیرا صورت مسأله رژیم، این است که برای ادامه حیات خود نیاز دارد که مجاهدین و مقاومت ایران یعنی نیروی آلترناتیو را از بین ببرد. چرا که مهم‌ترین تهدیدش همین آلترناتیو است

به‌همین دلیل پس از قتل عام ده شهریور، سپاه پاسداران بیانیه تبریک صادر کرد، قاسم سلیمانی رئیس نیروی تروریستی قدس در جلسه

مجلس خبرگان گفت: این حمله «مهمتر از حمله مرصاد بود». و جانشین سرکرده کل سپاه پاسداران گفت: «این اتفاق دارای اهمیت

راهبردی بسیار وسیعی در تحولات آینده منطقه خواهد بود و ابعاد بسیار عظیمی دارد».

بله قلب مسأله همین است: تلاش برای از بین بردن آلترناتیو.

به این منظور رژیم آخوندی و دولت عراق و همدستان بین‌المللی آن‌ها به‌ویژه مارتین کوبلر کمپ لیبرتی را برای انهدام فیزیکی مجاهدین یا لاقل نابودی سیاسی و انحلال تشکیلاتی آن‌ها طراحی کردند. اما این مجاهدین بودند که لیبرتی را از سنگستان به گلستان تبدیل کردند و جامعه بین‌المللی را واداشتند که برای هجرت بزرگ از عراق راه باز کند.

يُرِيدُونَ لِيُطْفَؤُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مَتَمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

بر این اساس باید روشن شود که در مورد اشرف و در مورد مقاومت و آزادی و حقوق بشر ایران در پشت پرده برجام چه گذشته است؟ و این توافق، چه ضامم توطئه‌گرانه‌ی داشته که هنوز منتشر نشده است.

## ضرورت فعال کردن پرونده اشرف

آخرین موضوع که می‌خواهم در موردش صحبت کنم، ضرورت فعال کردن پرونده اشرف است. می‌دانید که سیاست آمریکا در ۱۶ سال گذشته، به‌ویژه در دولت اوباما منافع بادآورده کلانی نصیب رژیم ولایت فقیه کرد. عمده فجایی که رژیم در خاورمیانه به‌بار آورده، به‌اتکای همین امتیازها بوده است. امروز که جهان به‌عواقب دهشتناک این سیاست پی برده، لازم است مهم‌ترین پرونده‌های آن گشوده شود. یکی از آن‌ها پرونده اشرف است.

حقیقت این است که خلع سلاح ارتش آزادی‌بخش در سال ۸۲ و تحویل حفاظت و امنیت اشرف به‌دولت عراق و تخلیه اشرف، بزرگ‌ترین امتیاز اعطایی آمریکا به‌ولایت فقیه بود. به‌نحوی که اگر مجاهدین خلع سلاح نشده بودند، قطعاً رژیم قادر به نفوذ در عراق در این ابعاد نبود. بله، این پرونده باید گشوده شود تا همه امتیازها و امدادهایی که سرنگونی رژیم را به‌تعویق انداخته از آن گرفته شود. به‌عنوان مثال باید روشن شود که در حملات وحشیانه دولت مالکی به اشرف در شش و هفت مرداد، چرا به‌نیروی نظامی آمریکا دستور داده شد که هیچ دخالتی نکند و تنها نقش ناظر و تماشاچی را ایفا کند؟

چرا چند ساعت قبل از حمله ارتش عراق به اشرف در نوزده فروردین ۹۰ یک واحد نظامی آمریکا محل مأموریت خود در نزدیکی اشرف را ترک کرد؟

هم‌چنین باید روشن شود که چه طرف‌هایی و با چه زد و بندهایی به‌نام سازمان ملل گزارش‌های دروغ و مغرضانه درباره اشرفی‌ها تدوین و منتشر می‌کردند.

سؤال مهم دیگر این است که چرا ملل متحد، مسئولیت خود را برای انجام یک تحقیقات مستقل درباره قتل عام اشرف برعهده نگرفت؟ سازمان ملل چرا حتی ترور عامر کبسی مدیر یونامی در استان دیالی [درعراق] را مورد تحقیق قرار نداد؟ وی در اولین روز پس از اعدام جمعی مجاهدین در اشرف به‌آنجا رفت و به‌رغم تهدیدات نیروهای رژیم از این قتل عام گزارش تهیه کرد. موضوع صدها میلیون دلار دارایی به‌یغما رفته مجاهدین در اشرف نیز باید تحت تحقیق و رسیدگی جدی قرار بگیرد. این برعهده دولت آمریکا و ملل متحد است که دولت عراق را موظف به پرداخت مابه‌ازای دارایی‌ها و اموال مجاهدین کند که تماماً در اختیار همین دولت بوده است.

قطعنامه ۶۵۰ کنگره آمریکا که در کمیته خارجی کنگره تصویب شده، هم‌چنین قطعنامه مشابهی که در کمیته خارجی سنای این کشور تصویب شده دولت آمریکا را به‌اقدامات لازم در این مورد فراخوانده است.

## تقدیر از حامیان اشرف

می‌خواهم صمیمانه از شخصیت‌های والای دوست و حامی اشرف و مقاومت ایران که در این سال‌ها به‌انتشار کتاب‌ها و نوشته‌های ارزشمندی درباره اشرف دست‌زده‌اند تشکر کنم؛ از آقای خوان گارسه به‌خاطر دفاعیاتش از مجاهدین در دادگاه اسپانیا، از آقای کازاکا به‌خاطر روشنگری‌ها و تلاش‌های بسیار در دفاع از اشرفی‌ها از جمله گزارش ارزشمندی که از جانب پارلمان اروپا تدوین کرد، از آقای طاهر بومدرا به‌خاطر کتاب داستان ناگفته اشرف، از آقای استیونسون به‌خاطر کتاب از خودگذشتگی، از آقای تنتر به‌خاطر تدوین و انتشار بسیاری مطالب در حمایت از حقوق اشرفی‌ها و از دکتر آخو ویدال کوادراس به‌خاطر انتشار گزارش سفرش از اشرف.

هم‌چنین باید به گزارش مستند حمله به اشرف اشاره کنم که حاوی اسناد و روشنگری‌های گسترده و دقیق سیاسی است و از سوی ارتش آزادی‌بخش ملی منتشر شده است.

## مأموریت اشرف در هزار اشرف و هزار کانون شورشی در داخل ایران، از نو آغاز شده است

واقعیت این است که رژیم آخوندها، زیر فشار تحریم‌ها و در محاصره نارضایتی‌های جامعه ایران خود را در معرض سرنگونی می‌دید و به این دلیل از برنامه اتمی برای یک دوره عقب‌نشینی کرد. اما واقعیت مهم‌تر این است که به‌رغم گذشت دو سال از امضای برجام، بحران وخیم رژیم به قوت خود باقی است.

آخوندهای حاکم، نه قادر به بستن شکاف موجود در رأس حکومت خود شده‌اند، نه قادر به مهار ورشکستگی اقتصادی هستند، نه می‌توانند برای خواست‌های جامعه عصیان زده پاسخی پیدا کنند و نه برون رفتی از باتلاق جنگ سوریه دارند. در مقابل، خون اشرفی‌های شهید، امروز، در گسترش اعتراض‌ها و بالا رفتن آمادگی اجتماعی در جوشش است. در همین لحظات زندانیان سیاسی شجاع و مقاوم در زندان گوهردشت در حال اعتصاب غذا هستند. اعتصاب طولانی آن‌ها عواطف و همبستگی عمیق مردم ما در سراسر ایران و تمام دنیا را برانگیخته است. از ملل متحد و از دولت‌های غرب می‌خواهیم استبداد مذهبی را برای پایان دادن به شکنجه و آزار زندانیان تحت فشار بگذارند. به‌این زندانیان دلیر درود می‌فرستیم. بله خون اشرفی‌های شهید در جوشش است برای برپایی ارتش قیام و آزادی. مأموریت اشرف در هزار اشرف و هزار کانون شورشی در داخل ایران، از نو آغاز شده است. مأموریت، سرنگونی استبداد مذهبی است. مأموریت، برقراری آزادی است و به طور قطع و یقین، این مأموریت محقق می‌شود.

سلام بر شهیدان اشرف

سلام بر مردم ایران